



۲۰۲۱/۱/۱۷

کانديد اکادميسين سيستاني

«زينب ننداری» ياد اورنام کيست؟

من تقريباً چهل سال دوران جوانی خود را در کابل گذرانده ام (از ۱۳۳۴-۱۳۷۳ش). در این سینا و دارالمعلمین درس خوانده ام و در پوهنتون کابل تحصیل کرده ام و پس از فراغت از پوهنتون در لیسه نادریه کابل معلمی نموده ام و بعد از چند سال کار در معارف ولایات نیمروز و هلمند وزارت های زراعت و اطلاعات و کلتور و مخابرات بالاخره در کابل در اکادمی علوم افغانستان کار کرده ام و در این مدت بارها برای تماشای فیلمها به «سینمای زینب» واقع میان چهار راهی شیرپور و چهار راهی حاجی یعقوب شهر نو کابل) رفته ام

زينب عنایت سراج ویا نمایشنامه دیده ام ویا برای اشتراک در محافل تجلیل از روز معلم به آن تالار رفته و نشسته ام ولی حتی یکبار هم از زبان کسی نشنیده ام که این **زينب** «زينب ننداری» که یک سینما یا یک سالون نمایشات بنام او مسمی شده، کیست و کجائی است؟

البته برخی میگفتند که زینب اسم خواهر ظاهر شاه و خانم سردار داود خان است و ممکن است این سینما بنام او گذاشته شده باشد، ولی سندی دال بر این سخن وجود نداشت. گاهی با خود میگفتم که شاید «زينب ننداری» با اسم زینب دختر میرویس خان هوتکی باشد، اوزنی بود که در هنگام محاصره قندهار از سوی نادرافشار، با هدایت برادر خود شاه حسین هوتکی قرآن را بر سر نهاد و به شفاعت به اردوگاه نادر افشار رفت و از او خواست تا بشرافت قرآن از قتل مردم و خانواده او درگذرد در آن صورت دروازه های شهر بروی قشون او باز خواهد شد! اما جواب قناعت بخشی نمی یافتم تا سرانجام در ۲۴ جولای سال ۲۰۲۱ یک محقق افغان جناب احسان لمر، ضمن مقالتي در قاموس کبير افغانستان نوشت که، زینب عنایت سراج، نخستین رئیس موسسه نسوان کشور دختر سردار عنایت الله خان سراج برادر اعلیحضرت امان الله خان بود.

آقای لمر مقاله اش را با سخنان **سيد جمال الدين افغان** آغاز میکند که در باره نقش مادر در تربیت اولاد گفته بود: «مسلمانان اگر به زنان اجازه تحصیل را ندهند، از ضعف، جهالت و رسوایی نجات نه می یابند. طفل در آغوش مادر خود تعلیم ابتدائی، تفکر و اخلاق را فرا میگیرد و آغوش مادر اولین مدرسه فطری انسان است که در آن طفل از مسائل دین و دنیا آگاه میگردد و اخلاق و شخصیتش شکل می گیرد ... اگر مادر جاهل، و بی بهره از علم باشد و با وجود موجودیت مردان لایق و کاردان و جامعه مرفه و آباد، این نعمات هیچگاهی به نسل بعدی انتقال نمی یابد و تمام ملت بزودی در فقر ذلت فرو خواهد غلطید. در عرصه جهان وقتی یک نسل رو به نابودی میرود، اگر اطفال شان از مادران خود تعلیم و تربیت درست ندیده باشند، قادر نخواهند بود افتخارات خانوادگی و ملی

د پايو شميره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

خویش را حفظ نمایند.» (احسان لمر، قاموس کبیر افغانستان، زینب عنایت سراج، نخستین رئیسۀ دمیرمنوتولنه)

آقای لمر در ادامه مینویسد: «خانم اسما رسمیه طرزی و محمود طرزی هر یک فرزندان نهایت وطندوست و عاشق میهن و مردم کشور تربیت نمودند که مرحومه خیریه عنایت سراج - مرحومه ملکه ثریا و مرحوم عبدالوهاب طرزی هریک نام نهایت آشنا در این راستا در کشور بودند و هم ایشان فرزندانمانند خویش به جامعه تقدیم داشتند که مرحومه زینب عنایت سراج هم یکی از ایشان است.

خانم زینب اولین رئیسۀ موسسه نسوان یا «دمیرمنو تولنه» می باشد که از سال (۱۳۲۹ ش / ۱۹۵۰ م) الی وفات شان (۱۹۵۸) تصدی امور این اداره را به عهده داشتند. ایشان مصدر خدمات مهمی برای انکشاف موسسه و ارتقای سویۀ ذهنی و تربیوی زنان افغان گردیده که این خدمات شان در تاریخ دمیرمنوتولنه فراموش نشدنی ست.

محترم حفیظ الله ناطق می نویسد: «دهه ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ م) پدرم سر معلم ، و مرحومه زینب عنایت سراج رئیسۀ موسسه نسوان بودند که در عقب هوتل کابل فعالیت و به همکاری خانم های باسواد مصدر خدمت به خانم ها و دختران شدند من طفل بودم و ایشان را بخاطر دارم که با پدرم میرفتم.

چون پدرم سر معلم مکتب پسران شهدا در زمان اعلیحضرت امان الله خان بودند خاطرات زیاد ان را با من یاد می کردند و از زینب جان و بخصوص مهربانی شان با معلمین و شاگردان و این که متواضع و مودب و دلسوز بودند و سخت علاقه مند تعلیم و تربیه نسوان کشور چیزی دیگر بخاطرم نمانده است بجز اینکه يك چاشت با پدرم یکجا در مقام ریاست شان نان بسیار عادی مثل سایر معلمین و کارمندان خوردم.»

محترم هاشم اکبر نوشته اند: «خانواده محترم سراج خیلی بزرگ و شخصیت های خوبی در بین شان است یکی از آن مرحوم داکتر صاحب کبیر سراج که از دوستان بنده بودند به هفت زبان تسلط کامل داشت. پسر بزرگ شان هم داکتر در برلین است اما متأسفانه که زیاد به تاریخ خانواده خود ارزش قائل نیستند نمی دانم که علت چیست؟ دو سفیر در برلین از خانواده سراج داشتیم. کاکایشان عنایت الله سراج در برلین دفن [سردار عنایت سراج در تهران فوت کرد و سال ها بعد جسدش را به افغانستان انتقال دادند و در جوار مقبرۀ پدرش در جلال اباد دفن گردید] ولی کدام کاری برایش نکردند. امید شما تاریخ این خانواده را بهتر شرح و بیان نمایید.»

یکی دیگر از کارنامه های بیدار گرانه خانم زینب نشر مجله میرمن در سال (۱۳۳۲ ش - ۱۹۵۳ م) چون ستارۀ درخشانی تجلی نمود. نمایندگی های آن از قندهار شروع و بعد به همه ولایات افغانستان شروع به فعالیت نمود. در چوکات آن موسسه تأسیس یک سالون سینما تیاتر رویدست گرفته شد که به یک سلسله فعالیت های هنری و ثقافتی دست زد.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

زینب ازدواج نکرده بود و در برج جدی سال ۱۳۳۷ ش - (دسمبر ۱۹۵۸م) به اثر مرض سرطان در برلین وفات نمود و به پاس خدمات شایسته‌اش شان سینمای موسسه نسوان به بنام شان یعنی «زینب ننداری» مسمی گردید.» (ارشیف مقالات احسان لمردر افغان حرمن آنلاین، مقاله ۱۵۲)

روان این زن منور و خدمتگار بیشتاز کشور شاد باد. زنی که جوانی اش را در راه خدمت به هموعانش صرف کرد و خودش را از لذت تشکیل خانواده و داشتن یک شوهر خوب و فرزندان خوب محروم کرد تا بیشتر و بهتر در خدمت هم نوعان خود باشد. پایان ۱۶ / ۱ / ۲۰۲۲

تکمله‌ئی از حمید ناصر ضیاء:

«استاد بزرگوار جناب سیستانی صاحب بسیار عزیز! بنده بعنوان خواهرزاده بی بی زینب جان عنایت سراج قلباً از جناب شما سپاس گزارم که تاریخچه مختصر در مورد آن علمبردار نهضت نسوان افغانستان را به نگارش گرفته اید.

پدر زینب جان عنایت سراج سردار عنایت الله خان (معین السلطنة) فرزند ارشد امیر حبیب الله خان و مادرشان خانم خیریه طرزی دختر بزرگ علامه محمود طرزی بودند. بعد از استعفای شاه امان الله خان از مقام سلطنت در سال ۱۹۲۹ مقام سلطنت به سردار عنایت الله خان تفویض گردید که متأسفانه با دسایسکه از سوی خانواده مجددی که ایادی انگلیسها بودند، سردهسته شورشیان ضد امان الله خان، حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقاو با دوام سلطنت سردار عنایت الله خان موافقت نکرد و شاه عنایت الله خان در ظرف سه روز مجبور به ترك وطن و مدت ۱۸ سال با خانواده در تهران مسکن گزین گردیدند. سردار عنایت الله خان و بی بی خیریه دارای دوازده فرزند به اسامی خلیل الله، زینب، مستوره، حمیراء (مادر بنده) حمیدالله، رقیه، حمیده، خیرالله، عصمت الله، لطیفه، انیسه و نفیسه (در جوانی فوت کرد)، بودند. بعد از وفات سردار عنایت الله خان سراج در تهران، خانواده عنایت سراج در عصر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در سال ۱۹۴۷ میلادی به افغانستان عودت و در حویلی پدری خویش واقع چهارراهی ملك اصغر (گلپهار سنتر فعلی) اقامت گزیدند. در زمان هجرت سردار عنایت الله خان سعی بلیغ بخرچ داد تا فرزندان شان مدارج عالی تعلیم و تربیه را ببیمانند که خوشبختانه به مرام خود نایل گردیدند. پسران از بهترین لیسه های تهران فارغ و شامل دانشگاه ها شدند و دختران از مدرسه معروف ژاندارك فارغ و بعضی از آنها مانند زینب جان، رقیه جان و لطیفه جان بعد از فراغت در همان مدرسه بعنوان معلم مشغول تدریس گردیدند.

چنانچه که در بین خانواده ها رواج است بزرگان خانواده با القاب شان خطاب میگردند لقب زینب جان در بین برادران و خواهران "أختی" (خواهر) بود و ما اطفال ایشانرا خاله أختی خطاب میکردیم و در حالیکه بسیار دوستش داشتیم ولی بشدت از اش حساب میبردیم.

خدا بیامرزد خاله أختی يك شخصیت منحصر بفرد خانواده عنایت سراج بود و بعد از فوت پدر ریاست و اداره خانه و خانواده را به عهده گرفت. در برگشت به افغانستان بزودی فهم، درایت و

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

شخصیت زینب جان توجه اعلیحضرت و مقامات اول دولتی وقت را جلب و پیشنهاد تأسیس ریاست موسسه نسوان به وی گردید که بدینترتیب در سال ۱۹۵۰ میلادی سنگ تهاداب موسسه نسوان تحت ریاست زینب جان عنایت سراج گذاشته شد.

قبل از تعیین جاه و اعمار ساختمان موسسه نسوان که شامل دفاتر اداری، اطاق بازی و نگهداری اطفال کارمندان ریاست و یک تالار بزرگ تیاتر و سینما نیز ساخته شد که در اوایل بنام سینمای موسسه یاد میشد و بعد از وفات خاله اختی بنام زینب ننداری معروف گردید.

از خاطرات طفولیتیم در ارتباط با خاله اختی اول اینکه برای سه تا از خواهر ها هر یک مادرم حمیرا ناصر ضیا ، رقیه اعتمادی و لطیفه کبیر سراج وظیفه داده بود که بصورت افتخاری و بدون معاش در هفته چند روز جهت تدریس خانمهای کابل بموسسه رفته ، سوادآموزی، حفظ الصحه و امور منزل، خیاطی و آشپزی را آموزش بدهند که در آنزمان یک دست آورد جدید و مفید بود.

به یاد دارم که قبل از اعمار تعمیر موسسه، برنامه های هنری بمناسبت نوروز و غیره از سوی موسسه نسوان در لیسه ملالی برگزار می شد و من گرچه طفل شش ساله بودم ولی به موسیقی و همچو برنامه ها بسیار علاقه داشتم و قرار بود که در یکی ازین برنامه ها استاد یعقوب قاسمی آواز بخواند. بخاطر دارم که استاد با همراهانشان تازه تشریف آورده بودند که خبر رسید پدرشان استاد قاسم افغان فوت کرده و محفل بهم خورد و بزرگان در سوگ استاد والامقام نشستند و ما اطفال به بازی و شیطنت های خود ادامه دادیم. در روز افتتاح سینما و تیاتر زینب ننداری یک برنامه هنری باید اجراء میشد، یک بازارچه را نشان میداد که کسبه (خانمها با لباس های مردانه با ریش و بروت مصنوعی) مشغول کسب و کار هستند و یک دختر زیبا با موهای بلند از این گذر تیر میشود، در پشت صحنه آواز خانهای معروف مانند نینواز، پیکان، پرناته و غیره آهنگ معروف " **آن سلسله مو آید اگر بر سر بازار ، بازار شود از نفس اش تازه چو گلزار**" را میخواندند و خاله ام لطیفه کبیر سراج از مقابل این کسبه کار ها رد میشد و هر یک بنوبه خود گویا آواز میخواندند، تازه خاله لطیفه جان روی صحنه ظاهر شده بود که به یکباره پسر کوچکش که با ما در بین تماشاچیان نشسته بود شروع به گریه شد و جیغ میزد " مَمی جان مَمی جان" بزرگان هرچه سعی کردند که او را آرام بسازند بر عکس شدت جیغ ها افزون میگردد تا اینکه آن سلسله مو مجبور شد با طفل در بغل از آن بازار عبور کند و این پارچه به یک کمدی مبدل گردید.

آخرین باریکه خاله اختی را دیدم در مسکو سال ۱۹۵۸ بود (در آن سالها پدرم نایب سفیر افغانستان در مسکو بود) خاله عزیزم جهت معالجه مرض مُهَلَك سرطان از طریق مسکو با مامایم سردار خلیل الله عنایت سراج به برلین تشریف برد که متأسفانه در همانجا وفات و دفن گردیدند. بعد از وفات خاله زینب جان خانواده عنایت سراج هیچگاه آن ابهت و جایگاه خود را باز نیافت. « **بدینسان ثابت شد که زینب عنایت سراج، نخستین رئیس موسسه نسوان و بنیان گذار «زینب ننداری» بوده است. پایان**

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکتی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ